

شبکه ولاء؛ طرحی از الگوی جامعه قرآنی از منظر آیت‌الله محمد مهدی آصفی

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۵

تاریخ تأیید: ۹۶/۳/۳

محمد اسماعیل نباتیان *

«شبکه ولاء» از مفاهیم بدیعی است که آیت‌الله محمد مهدی آصفی با هدف ترسیم یک جامعه آرمانی اسلامی از قرآن کریم استخراج کرده است. شبکه ولاء را بر اساس نظریه سیستمی می‌توان به مثابه یک سیستم متشکل از ساختارهای ترسیم شده و کارکردهای تعریف شده‌ای دانست که در طریقی خاص و برای نیل به غایتی ویژه جهت‌دهی شده است. آیت‌الله آصفی از ساختار این سیستم به «خطوط» تعبیر و با بهره‌گیری از روایات، این سیستم را دارای ساختاری سه‌وجهی تعریف کرده است: خطوط طولی ناظر بر رابطه فرد مسلمان با مجموعه‌ای از رهبران و اولی الامر است که به حاکمیت الهی می‌انجامد. خطوط عرضی بیانگر ارتباط انسان مسلمان با جماعت مسلمین در این جامعه آرمانی است. خطوط عمقی مبین ارتباط فرد مسلمان با عمق تاریخ و تمدن و سیره اولیا و اوصیاست. علامه آصفی برای تعریف نوع روابط تعیین شده میان ساختارها (خطوط) در درون شبکه ولاء، از دو مفهوم قرآنی بهره گرفته است: «سلام» و «نصیحت» که کارکردشان، پیوند دادن میان ساختارها و زیرساختارها برای دستیابی انسان مسلمان به غایت پیوند و ولای الهی است. نکته شایان ذکر اینکه، اساساً کنشگر محوری در شبکه ولاء، انسان مسلمان است و مرزبندی این سیستم بر مرزهای عقیدتی مبتنا یافته است و به همین دلیل، ولاء برای ارتباطات انسان مسلمان تعریف شده است و در مقابل، مفهوم برائت در قبال کافران معنا پیدا می‌کند.

کلیدواژگان: شبکه ولاء، جامعه آرمانی، سلام، نصیحت، برائت.



۳

شبکه ولاء؛ طرحی از الگوی جامعه قرآنی

۱. مقدمه

جامعه از دو عنصر بنیادی تشکیل می‌شود: نخست، افراد و آحاد انسانی که بر اساس تمنیات، منافع و آرمان‌های گوناگون گرد هم می‌آیند و دوم، روابط و مناسبات حاکم بر این اجتماع انسانی است. در واقع نحوه شکل‌گیری روابط و مناسبات اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در آراستن یک جامعه به آرایه‌های مختلف دارد (واعظی، ۱۳۷۷، ص ۸۸-۸۹). به عبارتی، همین روابط و مناسبات و شبکه روابط، وجه ممیزه جامعه‌ای از جامعه یا جوامع دیگر می‌شود. براین اساس، جامعه قرآنی، جامعه‌ای است که روابط و مناسبات حاکم بر آن بر شاخص‌ها و نشانه‌های قرآنی مبتنا یافته باشد.

نکته مهم در چنین جامعه‌ای، نوع شبکه روابط و مناسبات و مؤلفه‌های آن است که فقیه مدقق و مفسر محقق، علامه محمد مهدی آصفی با امعان نظری بی‌نظیر، شبکه ارتباطات انسانی را در جامعه آرمانی قرآنی از آیه‌های الهی استخراج کرده و با تحلیلی ژرف، به تبیین این شبکه، نوع روابط در آن و مؤلفه‌های آن تحت عنوان «شبکه ولاء» پرداخته است. اساساً شبکه ولاء از بسترهایی است که بسیاری از دیدگاه‌های آیت‌الله آصفی در حوزه‌های تفسیری، کلامی و فقهی در آن قابل تحلیل و تبیین است. به همین دلیل، ایشان در آثار متعدد خود از جمله فی رحاب القرآن (جلد سوم)، حق الأمان فی المجالات المختلفة و ولایة الأمر (مبانی نظری حکومت اسلامی) به صورتی مستقل به این موضوع پرداخته و در برخی از آثار دیگر ضمن بحث، شبکه ولاء را بستر تحلیل خود قرار داده است.

از آنجاکه شبکه ولاء در نظرگاه آیت‌الله آصفی، نظامی آرمانی با ابعاد ساختاری و کارکردی خاص است، در تحلیل آن، اقتباسی از نظریه سیستمی را به کار گرفته‌ایم. در اینجا تعریفی از سیستم را مدنظر قرار داده‌ایم که شبکه ولاء را مجموعه‌ای به هم پیوسته از ساختارها و کارکردها می‌داند که انسان مسلمان با هدف خاصی متعهد به انجام آن است. این سیستم از عناصر همبسته‌ای تشکیل شده که هر کدام بخشی از شبکه ولاء را تشکیل می‌دهد. این ویژگی را عناصر ساختاری یا همان ساختار می‌نامیم که آیت‌الله آصفی از این عناصر ساختاری به «خطوط» تعبیر می‌کند. در مقابل، نوع روابط تعریف شده میان ساختارها در درون این شبکه را «کارکرد»‌های همان ساختار می‌نامیم. در مقاله حاضر، دو مفهوم قرآنی «سلام» و «نصیحت» کارکرد پیونددهنده میان ساختارها و زیرساختارها را برای دستیابی به هدفی خاص دارند که همانا پیوند انسان مسلمان با خدا و نیز با بندگان خداست (آصفی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۴) و به عبارتی، قرب الهی و سعادت انسانی است.



مفهوم ولاء در تقابل با مفهوم برائت قرار دارد. شبکه ولاء بر مرزبندی عقیدتی مبتنی است و در آن مرزهای جغرافیایی اصالت ندارد. از این رو، کنشگر اصلی این سیستم، انسان مسلمان است و غایت تعریف شده در آن، پیوند و ولاء انسان مسلمان با خدا و بندگان مسلمان خداست. در مقابل، مفهوم برائت مطرح است که در رابطه انسان مسلمان با کافران معنا پیدا می‌کند. البته برائت لزوماً به معنای جنگ نیست و می‌تواند جنبه فرهنگی و اساساً بُعد تقیه پیدا کند.

نکته شایان ذکر اینکه، آیت‌الله آصفی ساختار (خطوط) تعریف شده در شبکه ولاء را با بهره‌گیری از روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام ارائه کرده است. آن حضرت می‌فرماید: «ثلاث مویجات: نکت الصفقه و ترک السنّة و فراق الجماعة؛ سه چیز موجب هلاک است: شکستن بیعت، ترک سنت و ترک اجتماع» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶۵). علامه آصفی در شرح و بیان این روایت معتقد است: «بیعت» بُعد طولی در شبکه ولاء است که انسان را به خداوند و رسول و اولیای امور متصل می‌کند. «سنت» بُعد عمودی (عمقی) در شبکه ولاء است که ارتباط انسان را با سلف صالح و اقتدا به آنها را شکل می‌دهد. «جماعة» بُعد عرضی و افقی در شبکه ولاء است که زمینه‌ساز ارتباط انسان مسلمان با امت اسلامی و جماعت مسلمین و عموم مؤمنان در زمین است (همان، ص ۱۹). بر اساس این شرح از روایت، عدم تنظیم حیات انسان مسلمان در این ساختار، موجب هلاکت وی می‌شود و این، عکس غایتی است که برای شبکه ولاء ترسیم شده است.

اکنون با عنایت به بیان و تفسیر آیت‌الله آصفی، این پرسش مطرح می‌شود که: یک نظام اجتماعی یا شبکه ارتباطی انسانی تحت چه شرایطی صورت «ولای الهی» (آرمانی قرآنی) پیدا می‌کند؟

به نظر می‌رسد از نظر علامه آصفی، غایت و خروجی یک سیستم اجتماعی در صورتی که ساختار ارتباطات سه وجهی طولی، عرضی و عمقی آن بر دو مؤلفه بنیادی قرآنی «سلام» و «نصیحت» مبتنا یافته باشد، پیوند انسان مسلمان با خدا و «ولاء» الهی خواهد بود و این همان جامعه آرمانی است که قرآن کریم در مقام ترسیم آن برآمده است. اسلام در خصوص نظم حاکم بر ارتباطات انسانی در جامعه‌ای آرمانی، نظریه‌ای کامل و تصویری دقیق و فراگیر دارد که علامه آصفی آن را «شبکه ولاء» نامیده است؛ شبکه‌ای فراگیر، گسترده، قوی و محکم که ارتباطات انسان مسلمان را با جهان خارج در ابعاد مختلف و حتی نفس خود دربرمی‌گیرد. «ولاء» اصطلاحی اسلامی و قرآنی است که تبیین‌کننده هرگونه رابطه و



۳

شبکه ولاء؛ طرحی از الگوی جامعه قرآنی ::



ارتباط انسان با خدا، رسول، امام، امت، نفس و نیز با تاریخ و عمق تمدنی‌اش است. سلامت انسان بسته به سلامت پیوندهایی است که او را به دیگران ربط می‌دهد. هر اندازه این روابط سالم‌تر باشد، انسان بهتر و سالم‌تر است. به همین دلیل، شبکه ارتباطی که فرد را به دیگران پیوند می‌دهد، اهمیت بسیاری در سلامت انسان و استقامت و سعادت او دارد. حتی می‌توان انسان را بر اساس مناسبات، پیوندها و ارتباطاتش ارزیابی کرد. بنابراین، بین انسان و پیوندهایش با دیگران رابطه دوجانبه‌ای برقرار است؛ به طوری که مثلاً در صورت شقاوت و خبثت، رهاورد آن بد و زشت می‌شود. به همین سبب، اسلام اهمیت فراوانی به شبکه ارتباطات انسان با دیگران می‌دهد و می‌کوشد این شبکه را با همه امکانات در زندگی انسان و پیوندهای او بر اساس متانت، قوت، مودت، محبت و تفاهم سامان دهد. این خط طولی ولایت است. خط دیگر، خط عرضی (افقی) در ارتباط مؤمنان با هم در جامعه اسلامی است که از طریق پیوند برادری، تعاون، تفاهم، محبت، مودت و همیاری انجام می‌شود (نک: توبه: ۷۱؛ انفال: ۷۲). این تار و پود در بافت امت، همه ارتباطات مؤمنان را با یکدیگر در بافتی قوی و محکم از محبت، مودت، همیاری، تعاون و حسن ظن دربرمی‌گیرد.

اجمال این دو خط در شبکه مناسبات انسانی «ولاء» است که همه ارتباطات و پیوندهای انسان مسلمان را با دیگران تقریباً به صورت فراگیر دربرمی‌گیرد و بر اساس اصول صحیح تنظیم و ارزیابی می‌کند. سلامت این سیستم به سلامت، استقامت و سعادت انسان مسلمان می‌انجامد؛ همچنان که سستی و اختلال آن به اختلال و انحراف زندگی او منجر می‌شود. اسلام، طرح کاملی از اصول و قوانین برای تأمین سلامت این شبکه و حمایت آن در برابر فساد ارائه می‌دهد (آصفی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۰).

در اینجا با عنایت به نظریه سیستمی، بحث را در دو قسم کلی بررسی می‌کنیم: ساختار شبکه ولاء؛ عناصر کارکردی و مقوم شبکه ولاء.

۲. ساختار (خطوط) شبکه ولاء

توجه به ارتباطات انسانی در جامعه، بیانگر لزوم ساختاری سه‌وجهی است تا بتواند ابعاد مختلف انسان مسلمان را در جامعه ترسیم کند. این ساختار سه‌وجهی عبارت است از: خطوط طولی، خطوط عرضی (افقی) و خطوط عمقی (عمودی).

الف) خطوط طولی

خطوط طولی در شبکه ولاء ناظر بر رابطه فرد مسلمان با مجموعه‌ای از رهبران و حاکمیت و امیران و غیره است که به حاکمیت الهی می‌انجامد. خطوط طولی را می‌توان در هشت

قسم احصا کرد:

۱. رابطه با خدا؛
۲. رابطه با رسول خدا ﷺ؛
۳. رابطه با قرآن کریم؛
۴. رابطه با اسلام (دین)؛
۵. رابطه امامان مسلمین و اولیای امور؛
۶. رابطه انسان با خودش؛
۷. رابطه با زبردستان (آصفی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۵-۴۶).

آغازگر این رابطه، رابطه انسان مسلمان با خداوند و حاکمیت تکوینی و تشریحی خداوند بر انسان است که سلطه و حاکمیت مطلق شمرده می‌شود و به عبارتی، رابطه بندگی و طاعت و تسلیم در برابر اوامر اوست. از این رو، هر حاکمیت مشروعی بر انسان باید از این منبع، یعنی حاکمیت لایزال و مطلق خداوند سرچشمه گرفته و در چارچوب و حدودی باشد که خداوند به آن امر کرده است. در این راستا خداوند حاکمیت حیات انسان مسلمان را به پیامبر خدا ﷺ سپرده است: «النبی أولی بالمؤمنین من أنفسهم» (احزاب: ۶). بنابراین، پیامبر ابلاغ شریعت الهی و حاکمیت و سرپرستی زندگی مردم را هم‌زمان برعهده دارد. در ادامه، بر اساس حدیث مشهور غدیر، آن حضرت حاکمیت و سرپرستی را پس از خودش به ائمه مسلمین سپرد. در عصر غیبت، امامان معصوم این حاکمیت و سرپرستی را به فقها واگذار کردند و از این رو، فقها اولیای امور مسلمین در عصر غیبت گردیدند و این اولیای امور (فقها)، والیان را برای اداره و سرپرستی شئون و امور مختلف زندگی مردم منصوب می‌کنند.

در خصوص خط طولی، یادآوری این نکته مهم است که طاعت و تسلیم در سلسله خطوط طولی در شبکه ولاء، از حاکمیت و قدرت مطلق خداوند بر بندگان سرچشمه می‌گیرد. در ادامه همین سیر طولی حاکمیت و قدرت، انسان در چارچوب حدود الهی بر خودش حاکمیت دارد و سپس بر امور کسانی که خداوند سرپرستی‌شان را به دست او یا به نصب او قرار داده، حاکمیت پیدا می‌کند. بنابراین، روابط طولی در شبکه ولاء، از یک سو بر سرپرستی و حاکمیت و از سوی دیگر، بر طاعت و تسلیم مبتنی است (آصفی، ۱۳۶۶، ص ۱۷). خطوط طولی و روابط درون آن به دو دسته تقسیم می‌شوند: (۱) «روند صعودی یا صاعد» که بیانگر روابط طولی از پایین به بالاست؛ همچون رابطه فرد مسلمان با خدا و امام: «إنما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...» (مائده: ۵۵). (۲) «روند نزولی یا نازل» که





مبین رابطه طولی از بالا به پایین در شبه ارتباطی جامعه قرآنی است؛ مانند رابطه دولت اسلامی با شهروندان (آصفی، ۱۳۶۶، ص ۲۰).

ب) خطوط افقی (عرضی)

خطوط عرضی در شبکه ولاء ناظر بر روابط انسان مسلمان با افراد یا نهادهای هم‌سطح در جامعه است که سه حوزه را دربرمی‌گیرد. به عبارتی، روابط در شبکه ولاء در خط افقی دارای سه نوع رابطه است:

۱. رابطه با «امت»؛

۲. رابطه با «معارف» (آشنایان و دوستان) که در دایره‌ای تنگ‌تر و نزدیک‌تر از امت با

آنها ارتباط پیدا می‌کند؛

۳. رابطه با «خانواده، خویشان و بستگان» که دایره آن درمقایسه با دیگر حوزه‌ها

کوچک‌تر است (همان، ص ۱۷).

در واقع رابطه افقی، ارتباط میان جماعت مسلمین است که از نظر جایگاه اجتماعی و

سیاسی در یک سطح قرار دارند: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض» (توبه: ۷).

ج) خطوط عمقی (عمودی)

خطوط عمقی بیانگر ارتباط فرد مسلمان در جامعه با عمق تاریخی و تمدنی، و نسل‌های

مؤمن گذشته، نظیر داعیان، امامان، صالحان و پیامبران است. در واقع خط عمقی، اتصال

عصر حاضر با دوره گذشته به شمار می‌آید (آصفی، ۱۳۶۶، ص ۱۸).

۳. عناصر کارکردی و مقوم شبکه ولاء

آنچه در بحث ساختار شبکه ولاء گذشت، صورت و شاکله این شبکه و ارتباطات انسانی را

در آن ترسیم می‌کرد، ولی موضوع دیگر در شبکه ولاء، عناصر تعریف‌کننده و پیونددهنده

ارتباطات انسانی در این ساختار است. این عناصر بنیادی عبارت است از «سلام» و

«نصیحت». این دو مؤلفه در ساختاری سه‌وجهی، انسان مسلمان را به خدا و بندگان خدا

پیوند می‌دهد. سلام و نصیحت، دو رویه مختلف این پیوند الهی است؛ سلام رویه سلبی

این پیوند و نصیحت رویه ایجابی آن است؛ چراکه سلام به معنای امنیت از تجاوز و زشتی

در وجوه مختلف آن است؛ اعم از اینکه این تجاوز و زشتی در حضور یا غیاب صورت

پذیرد، در جان و مال و ناموس باشد و یا با زبان یا دست انجام گیرد. به عبارت دیگر،

معنای سلام در شبکه ارتباطات انسان مسلمان، پالایش ارتباطی است که او را در سه خط

عمودی و افقی و عمقی به دیگران پیوند می‌دهد؛ تطهیر از هر نیت زشت و کار بد،

دشمنی، خبثت، مکر و نیرنگ، سوءظن، آزار و اذیت و زیان رساندن، و برقراری پیوند بر اساس امنیت از هرگونه زشتی و تجاوزگری. پس سلام رویه سلبی پیوند در شبکه است (آصفی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۵۴). در واقع، سلام ناظر بر نفی ویژگی‌ها و شرایطی است که وجودشان جامعه را از ثمرهٔ ولاء محروم می‌کند. رویهٔ ایجابی و مثبت پیوند انسانی در شبکه ولاء هم، همانا نصیحت است که موجب اصلاح ذات‌البین به دور از غش و فساد می‌گردد (همان، ص ۵۶-۵۸، ۴۵۴ و ۴۵۸)؛ چراکه نصیحت ناظر بر خیرخواهی و خالص کردن گفتار و کردار انسان در جامعه است.

این دو عنصر رابطهٔ میان انسان مسلمان با خدا، رسول خدا ﷺ، اولیا و هم‌نوعان خود را بر پایه‌ای قوی و عمیق و استوار قرار می‌دهد. هرگاه رابطه انسان بر پایه این دو عنصر باشد، از بدخواهی دیگران پیراسته و به خیرخواهی آنان آراسته می‌گردد. در نتیجه، به‌صورت رابطه‌ای قوی، محکم، امین و به‌دور از ضعف و سستی درمی‌آید.

الف) نقش «سلام» در ساختار سه‌وجهی شبکهٔ ولاء

سلام در خطوط سه‌گانه شبکه ولاء (طولی، عرضی و عمقی) حلقه‌هایی دارد که بیانگر سلام و امنیت و آرامش در زوایا و ابعاد گوناگون حیات انسانی است. دایره‌ها و حلقه‌ها در خط طولی، همانا رابطه انسان مسلمان با خدا و رسول و اولیای امور مسلمین، و نیز رابطه‌اش با خود و با کسانی است که تحت ولایت و سرپرستی او هستند و نیز رابطه‌اش با اشیایی است که خداوند مسخر او نموده است. سلام در این حلقه‌ها، در دو بُعد قابل بررسی است: بُعد صعودی (صاعد) و بُعد نزولی.

اما دایره‌های سلام در خط عرضی، همانا رابطه انسان با جامعه اسلامی در قالب شبکه‌ای از روابط و حقوق و مسئولیت‌های گسترده است که مشتمل بر رابطه انسان با دایره بزرگ جامعه و امت اسلامی، سپس رابطه انسان با دایره کوچک‌تر، یعنی آشنایان و دوستان، و سپس رابطه انسان در حلقه‌ای کوچک‌تر از دو حلقه قبل، یعنی اعضای خانواده و خویشان است.

سلام در خط عمودی نیز بررسی رابطه انسان با گذشتگان خود، اعم از صالحان، پیامبران، امامان، مؤمنان و مجاهدان پیش از اوست (آصفی، ۱۳۶۶، ص ۲۰).

نکته شایان ذکر اینکه، سلام در خط طولی در شبکه ولاء، در سیر صعودی‌اش، در تسلیم و انقیاد و محبت به خدا و رسول و اولیای امور، و در سیر نزولی‌اش، در اطاعت، محبت، خدمت و تواضع اولیای امور و دولت اسلامی در قبال مسلمانان تبلور می‌یابد.





مقابل تسلیم و طاعت از خداوند و رسول، اعلان جنگ با خدا، رسول و اولیایش مطرح است. بنابراین، کسی که مطیع خدا و رسول و اولیایش نباشد، ناگزیر داخل در دایره عصیانگران و مخالفان و متمردان و باغیان و کسانی که به جنگ آشکار با خدا و رسولش پرداختند، قرار می‌گیرد. البته بدیهی است سطوح عصیان و طغیان در دایره طاعت نسبت به افراد فوق متفاوت است (همان، ص ۲۱).

بُعدِ اوّل: کارکرد سلام در خطوط طولی شبکه ولاء

یک - رابطه بین خدا و بندگان در سیر صعودی

این رابطه در دو نوع دیده می‌شود:

- **تسلیم در برابر خدا:** اسلام، تسلیم در برابر خدا و اطاعت از احکام و اوامر اوست که این دو، یعنی اسلام و ایمان بدون تسلیم کامل نمی‌شوند (نک: بقره: ۲۸۵). طاعت و تسلیم، دو عنصر اساسی در رابطه انسان با خدا به شمار می‌آیند که بدون آنها اساساً اسلام منتفی می‌شود. در واقع طرد تسلیم و طاعت، نه تنها به خروج از دایره سلام در برابر خدا می‌انجامد، بلکه سبب دخول انسان در دایره طاعت شیطان می‌گردد: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره: ۲۰۸). به عبارتی، بین دو دایره طاعت خدا و طاعت شیطان، حلقه وسطی وجود ندارد: یا تسلیم در برابر خداست و یا دخول در دایره شیطان (آصفی، ۱۳۹۳ الف، ص ۳۱).
- **محبت خدا:** ایمان و تسلیم در برابر خدا تا وقتی با محبت خداوند همراه نشود، کافی نخواهد بود؛ محبتی که فوق هر محبتی است (بقره: ۱۶۵). محبت خدا باید با بغض و دشمنی با دشمنان خدا همراه باشد؛ چراکه محبت خدا با محبت خصم خدا قابل جمع نیست (آصفی، ۱۳۶۶، ص ۲۸؛ همو، ۱۳۹۳ الف، ص ۳۳).

دو - رابطه میان خدا و بندگان در سیر نزولی: رابطه خداوند با بندگان بر «سلام» و «رحمت» مبتنا یافته است و اساساً خداوند مبدأ هر سلام و رحمت است و بندگان از سوی او در امنیت و آرامش و سلام به سر می‌برند و اگر هم بندگان به ظلمی مبتلا می‌شوند، ناشی از خودشان است: «و ما ظلمهم الله و لكن أنفسهم يظلمون». (آل عمران: ۱۱۷). در واقع خداوند همان سلام است و بندگان را به سلام و راه‌های سلام و آرامش هدایت می‌کند و در دنیا و آخرت به امنیت و آرامش متنعمشان می‌گرداند. فخر رازی در تفسیر کبیر آورده است که خداوند در دوازده مورد به مؤمن سلام می‌کند (آصفی، ۱۳۶۶، ص ۳۳-۳۴).

سه - رابطه امت با رسول و جانشینانش: وجوه این رابطه عبارت است از:

(۱) تسلیم در برابر رسول خدا و اولیای امور؛

(۲) سلام کردن به رسول خدا و اولیا؛

(۳) محبت رسول خدا ﷺ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری: ۲۳).

عناصری که برشمردیم، لازم است در روابط با حاکمان و اولیای امور در دولت اسلامی عصر غیبت نیز وجود داشته باشد؛ چراکه در دوران غیبت، دولت اسلامی و ولی امر در واقع استمرار مشروعیت و سلطه عصر پیامبر و ائمه به شمار می آید. از این رو، هر آنچه در آن دوره بر مسلمین در قبال حاکمان واجب بود، در عصر غیبت نیز لازم است (أصفی، ۱۳۶۶، ص ۳۸).



شبکه ولاء؛ طرحی از الگوی جامعه قرآنی

چهار - رابطه امت با دولت اسلام در سیر صعودی: رابطه امت با ائمه مسلمین در

سیری صعودی، بر پایه «محبت»، «طاعت» و «نصیحت» مبتنا یافته است و این سه عنصر، در ارتباط با یکدیگر، عناصر مقوم سلام در رابطه امت با امام شمرده می شوند؛ توضیح آنکه:

عنصر اول، محبت: اگر پرده های آلودگی، فطرت انسان را نپوشاند، در سویدای فطرت

همه آدم ها محبت یافت می شود. محبت سرچشمه هرگونه خیر در انسان است. امام علی ع می فرماید: «النصح ثمره المحبة؛ خیرخواهی میوه محبت است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۲۹) و نیز فرمود: «النصيحة تثمر الود؛ خیرخواهی در دل ها محبت می رویند» (آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲). این روایت ها نشان دهنده روابط متقابل نصیحت و محبت در شبکه ولاء است.

عنصر دوم، اطاعت از امام و ولی امر: اطاعت از امام و ولی امر از طاعت رسول الله، و طاعت رسول الله از طاعت خداوند سرچشمه می گیرد و بدون این طاعت، امور سامان نمی یابد و شئون دولت و جامعه اسلامی تنظیم نمی شود (أصفی، ۱۳۶۶، ص ۴۰؛ همو، ۱۳۹۳، الف، ص ۴۸).

عنصر سوم، نصیحت امام مسلمین: انسان مسلمان باید چشمی تیزبین و گوش و عقلی آگاه در دستگاه دولت اسلامی باشد و اطاعت کردن از نصیحت بی نیاز نیست. به همین دلیل، امور دولت اسلامی و نظام آن بدون رأی و نصیحت همه مسلمانان سامان نمی یابد و به فرمایش رسول خدا ﷺ نصیحت امام مسلمین از ویژگی های انسان مسلمان است: «سه ویژگی است که قلب مسلمان از آنها تهی نمی شود: خالص کردن عمل برای خدا، نصیحت ائمه مسلمین و جدا نشدن از جماعت مسلمین» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۷، ص ۶۸).

پنج - رابطه دولت اسلامی با امت در سیر نزولی: بهره مندی مردم جامعه از امنیت،

بدون وجود قدرتی که مردم را در برابر متجاوزان حفاظت کند، امکان پذیر نیست و این



قدرت، همان دولت است؛ به همین دلیل، دولت در همه ساحت‌های سیاسی ورود پیدا می‌کند. سیطره قدرت در نظام سیاسی در دو مرحله تکامل می‌یابد: مرحله قرار و قانون‌گذاری و مرحله اجرایی. در این دو مرحله، اسلام، امت را با دو راهکار به حضور فعال در عرصه فعالیت دولت دعوت می‌کند: «شورا» برای حضور در عرصه قرار و قانون‌گذاری و «رقابت» برای حضور در عرصه اجرایی (همان، ص ۳۴). اصل رقابت همان امر به معروف و نهی از منکر است که این فریضه‌گونه‌های متعددی دارد؛ از جمله نصیحت حاکمان که فقها از این جایگاه به «حسبه» تعبیر کرده‌اند (همان، ص ۴۶ و نیز نک: ص ۴۷-۵۱). در خصوص رابطه امام و امت، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که رابطه میان دولت اسلامی و جامعه اسلامی طبیعتاً بر مؤلفه‌هایی چون مدارا، احسان، احترام، عدل و تواضع در میان شهروندان، کسب رضایت عموم مردم (اکثریت)، محبت و رحمت در قبال مردم و به‌ویژه طبقه پایین، پرهیز از به‌کارگیری وزیران و مشاوران فاسد، عدالت توزیعی و نیز تساوی همه در برابر حکم شرعی تکیه دارد (همان، ص ۵۱-۵۵).

شش - سلام در ارتباطات در دایره زندگی زناشویی: یکی از روابط طولی، رابطه حاکم بر زندگی زناشویی است و در قالب شبکه ولاء، سلام در زندگی زناشویی نیز زمینه‌ساز تحکیم این شبکه است. این سلام، هم در بعد تکوینی زندگی زناشویی مطرح است - همچون «هن لباس لکم و ائتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷) - و هم در بعد تشریحی جاری است. در بعد تشریحی، مؤلفه‌های ذیل نقش مؤثری در سلام در حیات زناشویی دارند: اقتدار در منزل، مودت و رحمت و محبت میان زوجین، حُسن معاشرت و اِکرام و احسان به همسر، خدمت شوهر به همسر و غیره. (اصفی، ۱۳۶۶، ص ۵۶-۶۹).

در چارچوب خانواده، یکی از روابطی که نقش مهمی در تأسیس خانواده سالم دارد، رابطه میان والدین و فرزندان است. در شبکه ولاء، باید رابطه والدین با فرزندان بر اساس تکریم و احسان و تعلیم و تربیت آنها باشد و در مقابل، فرزندان باید به نیکی با والدین رفتار و از عاق آنها پرهیز کنند (همان، ص ۶۹-۷۱).

هفت - سلام در رابطه انسان مسلمان با نفس خویش: یکی از حوزه‌های سلام در رابطه طولی، سلام در رابطه انسان با خودش است. اسلام برنامه تربیتی گسترده‌ای برای ایجاد رابطه‌ای امن و پرآرامش میان انسان با خودش برنامه‌ریزی کرده تا مبادا رابطه پرتنش و نزاع مداوم میان انسان و نفس خویش حاکم باشد (همان، ص ۸۱-۱۰۰).

(۱) بُعد دوم: کارکرد سلام در خطوط افقی شبکه ولاء

بر اساس خط افقی شبکه ولاء، شاهد مجموعه‌ای از دایره‌ها و حلقه‌هایی هستیم که انسان‌های مسلمان در زندگی اجتماعی‌شان به واسطه آنها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند؛ از جمله این دایره‌ها، دایره جامعه اسلامی (امت)، دایره معارف (آشنایان) و دایره خانواده و خویشان است که شبکه‌ای از روابط پیوسته، متقاطع و پیچیده را داراست. اسلام به این مسئله اهتمام جدی دارد و برای انسان روش‌هایی برای سازماندهی روابطش با امت، آشنایان و خانواده به صورت دقیق و مشخص در قالب دو روش کامل ارائه کرده است: روش تشریحی و روش اخلاقی؛ چنان‌که نظام قضایی‌ای برای حل مشکلات ناشی از روابط ناسالم در این خط افقی وضع نموده است (همان، ص ۱۰۳).

نکته شایان ذکر اینکه، مفهوم سلام در تأسیس اندیشه و امت اسلامی، مسئله‌ای روینایی نیست، بلکه سلام در عمق حیات اجتماعی و روابطی ریشه دارد و انسان مسلمان را به آن حیات اجتماعی پیوند می‌زند؛ مفهوم سلام همه روابط را در حیات انسان مسلمان دربرمی‌گیرد (همان، ص ۱۰۴) و در اعماق نفس انسان مانند محبت، حسن ظن و عدل، تا امتدادش در کل شبکه گسترده ارتباطات انسانی (شبکه ولاء) وجود دارد. سلام بدون این ریشه‌های عمیق ارزشی ندارد. امتداد سلام و آثار و نتایجش در شبکه ارتباطات انسان مسلمان، همانا نصیحت خداوند و رسول و مؤمنان و تعاون، برادری، عفو، صلح، همکاری و ... است (همان، ص ۱۰۵).

مبحث سلام را در خط افقی در شبکه ولاء با بهره‌گیری از آیات و احادیث می‌توان در دو بحث بررسی کرد: ریشه‌ها و زمینه‌های سلام در نفس انسان، و پیامدها و آثار و ثمرات سلام در حیات اجتماعی انسان.

یک - ریشه‌های و رهاوردهای سلام در نفس انسان: در پرتو آموزه‌های اسلامی و آیات و روایات، می‌توان ریشه‌ها و زمینه‌های سلام را در نفس انسان و نیز کارکرد آن را در شبکه ولاء در مؤلفه‌های زیر جست‌وجو کرد (أصفی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۱۴):

- حبّ و محبت به خداوند (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶۹، ص ۲۴۷)؛
- اعتماد و حسن ظن (همان، ج ۷۵، ص ۱۹۶؛ حجرات: ۱۲)؛
- برادری و اخوت: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)؛





- لزوم یکپارچگی و همدلی مسلمانان (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۸)؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرکس جماعت مسلمانان را به اندازه یک وجب [از تن] جدا کند، میثاق خود را با اسلام از گردنش درآورده است» (همان، ص ۲۶۷)؛ عدالت (أصفی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۲۶-۱۲۷).

دو - پیامدها و آثار و ثمرات سلام در حیات اجتماعی: سلام با حضور مؤثر در شبکه ولاء، پیامدها و ثمرات فراوانی در زندگی اجتماعی انسان مسلمان به جا می‌گذارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- تعاون و همکاری در امور معروف و نیکو (مائده: ۲)؛
- تألیف قلوب (انفال: ۶۲-۶۳)؛
- صلح و مصالحه (حجرات: ۱۰)؛
- عفو و گذشت (آل عمران: ۱۳۴؛ نور: ۲۲)؛
- تناصح و نصیحت متقابل (المنذری، ۱۳۸۸ ق، ج ۲، ص ۵۷۷؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۳۵۸)؛
- مدارا و همراهی (حجر: ۸۸؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۵۳)؛
- خوشرویی (متقی هندی، ۱۳۶۴، ج ۷۶، ص ۲۰)؛
- پرهیز از سخن چینی و بدگویی (قلم: ۱۰-۱۱؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۲۶۴)؛
- پرهیز از غیبت (حجرات: ۱۲؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۲۵۴)؛
- پوشاندن عیوب دیگران (نور: ۱۹؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۲۱۴؛ سید رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳)؛
- پرهیز از تهمت (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۱)؛
- خودداری از ایذای دیگران (احزاب: ۵۸)؛
- پرهیز از دشنام (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۵۴)؛
- پرهیز از استهزا و تمسخر (حجر: ۱۱)؛
- تحیت و سلام (سلام کردن به یکدیگر) (طباطبائی، ۱۹۷۳ م، ج ۵، ص ۳۱؛ أصفی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۹-۱۳۸).

سه - کارکرد سلام در دایره‌ها و حلقه‌های خطوط افقی شبکه ولاء

گفتیم که خط افقی مشتمل بر سه رابطه امت، آشنایان و خانواده است. در اینجا به بررسی اجمالی کارکرد سلام در این سه دایره می‌پردازیم:

الف) سلام در دایره ارتباطات عمومی (امت) در جامعه اسلامی: در جامعه اسلامی، در حقیقت رابطه به شیوه «فائنه منک و أنت منه» جاری است که این رابطه، استوارترین و قوی‌ترین انواع روابط میان انسان‌هاست. این شیوه رابطه، اساس رابطه انسان مسلمان با مسلمان در درون امت اسلام است. مبانی ولاء در این دایره ارتباطات عبارت‌اند از: مبنای عاطفی (نظیر دوری قلب از حقد و کینه و توجه به محبت و الفت)؛ مبنای مسئولیت اجتماعی (که بر اصل مهم وحدت اسلامی تکیه دارد)؛ امنیت و مصونیت و حرمت انسان مسلمان (آصفی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۱، ۱۵۸ و ۱۶۳).

ب) سلام در دایره روابط خاص (معارف و آشنایان) در جامعه اسلامی: در اسلام بر حقوق روابط خاص تأکید شده است. همچنین در صورت برخورد با مشکلات و مخالفت‌ها میان برادران و دوستان و آشنایان، دو روش برای اصلاح میان آنها ارائه گردیده است: (۱) شیوه پیشگیری (وقایه) با تکلیف اصولی چون صداقت، حسن ظن، محبت و ... (همان، ص ۱۸۱)؛ (۲) درمان (علاج): در صورت وقوع مشکلات، اسلام داده‌هایی را برای اصلاح میان معارف و دوستان ارائه کرده است؛ مانند تکلیف به اصلاح ذات‌البین (همان، ص ۱۸۶).

ج) سلام در دایره خانواده و خویشان: سلامت، امنیت و آرامش در خانواده و خویشان، نقش برجسته‌ای در سلامت فرد و جامعه و حمایت از انسان در برخورد با مشکلات و پیامدهای آن دارد؛ از جمله راه‌های تثبیت سلام در این بُعد از روابط افقی می‌توان به صله رحم و تأکید بسیار بر آن اشاره کرد (همان، ص ۱۸۸).

(۳) بُعد سوم: کارکرد «سلام» در خط عمودی (عمقی)

روابط عمودی با عمق تاریخ و تمدن گذشته، نقش بسیار پررنگی در سلامت روابط انسانی در جامعه دارد؛ به طوری که اساساً قرآن کریم «امت» را حلقه‌های ممتد در طول تاریخ می‌داند که دارای رویکرد فکری - سیاسی واحدی هستند (همان، ص ۲۰۰. نیز نک: مریم: ۴۱، ۵۱، ۵۴ و ۵۶؛ هود: ۱۲۰؛ احقاف: ۳۵؛ احزاب: ۲۱؛ حشر: ۱۰؛ ص: ۱۷، ۴۱، ۴۵ و ۴۸). در واقع امت صالح، مولود نسل‌های صالح گذشته و امت فاسد، محصول نسل‌های فاسد گذشته است و این سنت طبیعی در زندگی جریان دارد (اعراف: ۵۸). یکی از راه‌های ارتباط با نسل‌های صالح گذشته، زیارت مراقد شریف است. نصوص وارده از طریق اهل بیت درباره زیارت انبیا، ائمه، اولیا و صالحین فراوان است و بیانگر نقش اثرگذار زیارت بر روابط سالم و مطمئن در جامعه است (آصفی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۴-۲۱۵).



۳

شکله ولاء؛ طرحی از الگوی جامعه قرآنی ...



۴. نقش «نصیحت» در ساختار سه‌وجهی شبکه‌ی ولاء

گفتیم که سلام و نصیحت، دو رویه‌ی مختلف پیوند الهی در شبکه‌ی ولاء هستند؛ سلام رویه‌ی سلبی این پیوند و نصیحت رویه‌ی ایجابی آن است (همان، ص ۴۳۱-۴۳۲). در حقیقت، نصیحت همچون سلام، امری کمالی در بنای جامعه‌ی انسانی و شبکه‌ی ارتباطات انسان نیست، بلکه از دیدگاه اسلام، نیازی ضروری است که هیچ انسانی از آن بی‌نیاز نیست و بدون آن زندگی فرد مستقیم نمی‌شود. به همین دلیل، روایات فراوانی در وجوب نصیحت و تحریم غش وارد شده است؛ به طوری که در عبارت‌های گوناگون، نصیحت را بر مؤمن واجب دانسته‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۵۹۴-۵۹۶؛ نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۴۳۰ و ۴۳۹ و ج ۱۱، ص ۴۵؛ سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳۴؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۶۶). نصیحت، چنان که در بافت رابطه‌ی انسانی به صیغه‌ی وجوب متّصف است، شمولیت و فراگیری نیز دارد. بنابراین، باید نصیحت در ساختار سه‌وجهی شبکه‌ی گسترده‌ی ولاء نقش‌آفرین باشد تا غایت معهود این شبکه‌ی قابل دستیابی شمرده شود.

نصیحت در لغت به دو معنا آمده است: خیرخواهی برای دیگران و پاک‌سازی ارتباط و پالایش آن از هرگونه آلودگی و غش در ظاهر و باطن. نصیحت (خیرخواهی) یکی از مصطلحات اسلامی است که مفهوم عمیقی در اندیشه‌ی عقیدتی، سیاسی و اجتماعی دارد. متأسفانه این مفهوم اسلامی ژرف، در اندیشه‌ی معاصر محتوای خود را از دست داده و به پند و اندرز و موعظه محدود شده است.

مفسران درباره‌ی «نصح» تعاریف متعددی بیان کرده‌اند که در جمع‌بندی از دیدگاه‌های آنها می‌توان دو معنا را ارائه کرد: (۱) خیرخواهی در گفتار و کردار برای دیگران و تنظیم رابطه‌ی خود با آنان بر این اساس؛ (۲) پیرایش و خالص کردن رابطه‌ی و برخورد‌های خود با دیگران از هرگونه شائبه‌ی زشت.

این پیرایش و خالص‌سازی در مقابل غش، آن است که انسان ظاهراً در برخورد با دیگران خیرخواه آنان باشد، ولی در باطن رابطه‌ی اش سوءنیت و شرارت نهفته باشد. بر اساس عنصر نصیحت، تعامل با دیگران بر پایه‌ی احسان و اصلاح و خدمت به دیگران در گفتار و کردار است. بنابراین، همّت انسان از تعامل اجتماعی نباید تنها خدمت به خویشان باشد و عمل اجتماعی را فقط با مقیاس مصلحت شخصی ارزیابی کند. این گونه افراد هر اقدام و سخنی را که از زبانشان بیرون می‌آید، با همین مقیاس می‌سنجند و هیچ عامل محرکی برای انجام کارهای اجتماعی در میدان روابط اجتماعی جز عامل «خود» و «من»

نمی‌بینند و ندارند. این حالت نوعی بیماری «انانیت» و «خودبینی» است که برخی از مردم به آن مبتلا می‌شوند و در نتیجه، همه چشمه‌های خیر و احسان در آنان می‌خشکد. البته انسان نه می‌تواند و نه اجازه دارد در روابط اجتماعی از مصلحت شخصی به صورت کلی خالی شود.

به عبارت دیگر، بر اساس مؤلفه نصیحت، پیوند افراد باید در خیرخواهی، خالصانه و ناصحانه باشد و مکر و زشتی آن را نیالاید و در باطن آن سوءنیت و شرارت نهفته نباشد. به‌طور کلی پیوندی ناصحانه خواهد بود که در ظاهر و باطن و آشکار و پنهان، در محبت و رحمت و خیر یکسان باشد. از این رو، اختلاف بین ظاهر و باطن و حضور و غیاب، ارزش عمل صالح را از بین می‌برد و آن را از دایره صلاح به دایره نفاق می‌کشاند. تعامل اجتماعی در جامعه اسلامی باید ناصحانه و از هرگونه سوءنیت، سوءظن، حسد، مکر، کراهت و تنفر پیراسته باشد. لازم است ظاهر و باطن مسلمان در تعامل با دیگران در جامعه اسلامی با جهت‌گیری احسان، اصلاح، هدایت، ارشاد، ایثار و خدمت مطابقت داشته باشد و هر آنچه با این جهت‌گیری منافات دارد، اجازه و فرصت ورود به جان‌های مؤمنان را نیابد. این تعامل ناصحانه آشکار در همه جنبه‌های زندگی گسترش می‌یابد و برای مثال در امور سیاسی و زمان انتخابات، هرگاه کاندیدای مجلس یا شورای شهر برنامه‌هایی اعلام می‌کند، اگر مردم او را برگزینند، باید به برنامه‌های اعلامی‌اش ملتزم باشد و نباید برخلاف تبلیغات خود عمل نماید.

این پیوند صالحانه و ناصحانه در همه شبکه گسترده روابط اجتماعی که انسان را به خداوند و خویش‌تن و امام و امت و خانواده‌اش، در مسجد و خانه و بازار و خیابان پیوند می‌دهد، جاری است و همه جا را پوشش می‌دهد. پیوند امت با امام، پیوند مردم با همدیگر و خانواده و نیز رابطه انسان با خودش و همچنین رابطه‌اش با خدا بر همین اساس است. خداوند دوست دارد بندگان خود را در تعامل با هم در این شبکه گسترده روابط اجتماعی، به یک رویه در جهت اطاعت و عبودیت و احسان و اصلاح و خدمت و محبت ببیند.

در واقع در شبکه ولاء، نصیحت به این معنا، پس از سلام، رویه دوم پیوند و مرحله پیشرفته و عالی در تحکیم رابطه و تثبیت آن است. درست آن است که بگوییم: «سلام» مرحله تزکیه، تطهیر و پالایش پیوند از زشتی و آلودگی است؛ درحالی که «نصیحت» مرحله غنی‌سازی پیوند به خیر، مودت، تعاون، نصرت و پشتیبانی به شمار می‌آید (آصفی، ۱۳۸۵، ص ۴۴۱-۴۴۳).





۵. محبت؛ معین خیر و خیرخواهی و نصیحت در نفس انسان

نفوس مؤمنان منبع جوشان خیر برای دیگران و خیرخواه مردم و دوستدار آنها هستند، ولی نفوس مردم، حریص و بخیل‌اند و خیر را برای خود می‌خواهند و اجازه نمی‌دهند دیگران از خیر بهره‌مند شوند: «أشحة علی الخیر؛ با کمال حرص و بخل مطالبه غنیمت می‌کند» (احزاب: ۱۹). در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که: چگونه این نفوس بخیل و حریص به سرچشمه جوشش خیر تبدیل می‌شوند و در راه خیر تلاش می‌کنند؟ در پاسخ می‌گوییم: معین و منبع بیشتر خیرات و بخشش‌های درونی انسان، محبت است و در مقابل، سرچشمه همه حرص‌ها، امساک‌ها و بخل‌ها، کراهت و بغض است. محبت، قابلیت بخشش و قدرت بر انجام خیر را به نفس می‌بخشد. پس هرگاه محبت به درون انسان راه یابد، نفس سرشار از خیر و نیکی، رفق و مدارا، و احسان و بخشش می‌شود و آن‌گاه که نفس از محبت خالی شود، همچون کویری بی‌حاصل است که جز حقد، کینه، تجاوز، عداوت، مکر و نیرنگ در خود ندارد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه در سخنی گهربار می‌فرماید: «النصح ثمرة المحبة» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۴۲۹) و «النصيحة ثمرة الود» (آمدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲) که در هر دو روایت، خیرخواهی میوه محبت دانسته شده است. بنابراین، خیرخواهی برای خدا و رسول و مؤمنان، در دل‌ها از محبت خدا و رسول سرچشمه می‌گیرد؛ همچنان که در مقابل، آن حضرت می‌فرماید: «النصيحة تثمر الود؛ خیرخواهی در دل‌ها محبت می‌روپاند» (همان) یا «النصيحة تثمر المحبة» (همان). این چهار روایت، تصویری از رابطه دوجانبه خیرخواهی و محبت را ترسیم می‌کنند. پس خیرخواهی، محبت‌ساز و محبت، نصیحت‌ساز است و این حقیقتی است که خداوند متعال انسان‌ها را بر آن آفریده است. در جان هر انسان مؤمن، نباید بیش از یک محبت باشد و آن محبت خدای عزوجل است: «ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه» (احزاب: ۴). پس هر محبت دیگری در دل‌های مؤمنان مخلص باید به گونه‌ای استمرار و امتداد همین محبت باشد. بنابراین، سرچشمه همه محبت‌ها در جان انسان مؤمن، که جان و محبت و عواطف و خواسته‌های خود را برای خداوند خالص کرده، محبت خداوند متعال است. این محبت، محبت حاکم در جان مؤمن است و هر محبت دیگری که آن را نفی کند و به معارضه آن برخیزد، باید از دل او بیرون رود که در جان انسان مؤمن دو محبت، یعنی محبت خدا و محبت دنیا جمع نمی‌شود؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «حب الدنيا و حب الله لا یجتمعان فی قلب واحد أبداً» (ورّام، بی‌تا،

ص ۳۶۲.

نکته شایان ذکر اینکه، نصیحت در خطوط عمقی معنا پیدا نمی‌کند؛ از این رو، در اینجا به کارکرد نصیحت در دو ساختار خطوط طولی و خطوط عرضی شبکه ولاء می‌پردازیم.

(۱) بُعد نخست: کارکرد نصیحت در خطوط طولی شبکه ولاء

الف) نصیحت در رابطه انسان مسلمان با خداوند متعال

• **خیرخواهی خداوند برای بندگان:** امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «انتفعوا ببیان

الله و أقبلوا نصیحة الله فإن الله قد أعذر إليكم؛ از بیان خداوند سود برید و اندرز وی را بپذیرید. همانا خداوند آشکارا جای عذر برای شما نگذاشت» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶).

• **خیرخواهی بندگان برای خدا:** خیرخواهی برای خدا با خیرخواهی برای بندگان فرقی

ندارد؛ جز در یک نقطه و آن اینکه خداوند غنی بالذات است و به چیزی نیاز ندارد. خداوند

متعال واجد همه خیر و مصلحت است و بی‌نیازی، خیر و صلاح او حدّی ندارد. بنابراین،

درست نیست که نصیحت برای خداوند را به «خیرخواهی» و «مصلحت‌جویی» تفسیر

کنیم؛ زیرا خیر و صلاح همه از خدا و برای خداست. پس تفسیر نصیحت برای خدا، جز

به کسب خشنودی خدا درست نیست و خشنودی خدا یعنی گفتار و کرداری که خداوند از

بندگان می‌پسندد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قال الله عزّ وجل: أحبّ ما تعبّد لی به

عبدی النصح لی؛ خداوند می‌فرماید: محبوب‌ترین چیزی که بنده با آن مرا عبادت می‌کند،

خیرخواهی برای من است» (المنذری، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۵۷۷).

• **خیرخواهی قرآن برای مردم:** امام علی علیه السلام در شرح این نقش قرآن کریم می‌فرماید:

«واعلموا أنّ هذا القرآن هو الناصح الذی لا یغش... استنصحوه علی أنفسکم و اهتّموا

علیه آراءکم و استغشوا فیه أهواءکم؛ بدانید که این قرآن پندگویی است که فریب ندهد.

... آن را نصیحت‌گوی خود شمارید و رأی‌هایتان را - که با قرآن سازگار نیست - متهم

دارید و خواهش‌های نفسانی خویش را خیانت‌کار انگارید» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۶ و

نامه ۶۹).



شکله ولاء؛ طرحی از الگوی جامعه قرآنی ...



• تبادل نصیحت بین خدا و بندگانش: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ عَلِيًّا كَانَ عَبْدًا نَاصِحًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَنَصَحَهُ وَ أَحَبَّ اللَّهُ فَأَحَبَّهُ؛ همانا علی؛ بنده خیرخواهی برای خدای عزوجل بود و خدا نیز خیرخواه او بود. او خدا را دوست داشت و خدا او را» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۴۶).

(ب) نصیحت در رابطه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام

• نصیحت رسول خدا برای امتش: امام علی علیه السلام در ستایش رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بَلِّغْ عَنِ رَبِّهِ مَعْذِرًا وَ نَصْحًا لِأُمَّتِهِ مَنْذِرًا؛ رسالت پروردگار را چنان رساند که برای کسی جای عذر نماند و امت خود را اندرز گفت و ترساند» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۰۹؛ نیز نک: خطبه‌های ۹۵ و ۱۹۵).

• نصیحت مسلمانان برای رسول خدا (ص) و قرآن و اسلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ لَمْ يَصْبِحْ وَ يَمْسِي نَاصِحًا لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِإِمَامِهِ وَ لِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ هر که شب را به صبح و روز را به شب رساند و خیرخواه خداوند، رسول خدا، کتاب او (قرآن)، امام خود و عموم مسلمانان نباشد، از آنان نیست» (المنذری، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۵۵۷).

• نصیحت امامان برای مسلمانان: امام علی علیه السلام فرمود: «لَيْسَ عَلَيَّ الْإِمَامُ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ الْإِبْلَاقُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَ الْإِجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ؛ همانا بر امام نیست جز آنچه از امر پروردگار برعهده او واگذار شده است؛ یعنی کوتاهی نکردن در موعظه و کوشیدن در نصیحت» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۰۵).

• نصیحت مسلمانان برای امامان: امام رضا علیه السلام فرمود: «ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَيْهَا قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللَّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ؛ سه چیز است که دل مسلمان از آن خالی نیست: اخلاص عمل برای خدا، خیرخواهی برای امامان مسلمین و همراهی با جماعت آنان» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۵).

- تبادل نصیحت بین امام و امت: امام علی علیه السلام فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳۴).

ج) نصیحت در خصوص رابطه انسان با خودش

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَنَّ أَنْصَحَ النَّاسِ أَنْصَحَهُمْ لِنَفْسِهِ وَ أَطْوَعَهُمْ لِرَبِّهِ؛ خَيْرِ خَوَاتِمِ الْمَرْدَمِ، خَيْرِ خَوَاتِمِ الْمَرْدَمِ أَنْأَنَ بَرَّيْكَ لِنَفْسِكَ وَ فَرَمَانَ بَرَّيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ خَدَائِكَ أَسْت» (همان، خطبه ۸۶؛ آمدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳).

(۲) بُعد دوم: کارکرد نصیحت در خطوط عرضی

الف) نصیحت برای امت (جماعت مسلمین): رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «أَنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهِمُ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لَخَلْقِهِ؛ بَلَنْدَمَرْتَبَهُ تَرْتَبَهُ بَرَّيْكَ لِنَفْسِكَ وَ فَرَمَانَ بَرَّيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ خَدَائِكَ أَسْت» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۸). همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ، فَلَنْ تَلْقَاءَ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ؛ بَرَّيْكَ لِنَفْسِكَ وَ فَرَمَانَ بَرَّيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ خَدَائِكَ أَسْت» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۰۸). این بعد از نصیحت در شبکه و لاء چنان اهمیتی دارد که امام صادق علیه السلام از آن به «حق» تعبیر می‌فرماید: «حَقٌّ وَاجِبٌ مَوْءِنٌ بِرِ مَوْءِنٍ اسْتِ كِه دَر حَضُورِ وَ غِيَابِ، خَيْرِ خَوَاتِمِ أَوْ بَاشِدِ» (همان).

در جمع‌بندی محتوای این روایات ناظر بر کارکرد نصیحت در ساختار شبکه و لاء می‌توان به دو روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره کرد که بر نقش نصیحت در ساختار سه‌وجهی شبکه و لاء دلالت روشنی دارند: ایشان فرمود: «دین، نصیحت (خیرخواهی) است». گفتند یا رسول الله! (خیرخواهی) برای که؟ فرمود: «برای خدا، برای رسول خدا، برای پیشوایان دین و برای جماعت مسلمانان» (المنذری، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۵۷۷).

همچنین آن حضرت فرمود: «هر که پنج چیز را برایم تضمین کند، من بهشت را برایش تضمین می‌کنم: (۱) خیرخواهی برای خدای عزوجل؛ (۲) خیرخواهی برای رسول خدا؛ (۳) خیرخواهی برای کتاب خدا؛ (۴) خیرخواهی برای دین خدا؛ (۵) خیرخواهی برای جماعت مسلمانان» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۰). در واقع بر اساس این روایت، خیرخواهی برای خدا و





رسول و قرآن، بُعد اعتقادی این مفهوم است؛ خیرخواهی برای ائمه مسلمین، بُعد سیاسی آن؛ و خیرخواهی برای جماعت مسلمانان، بُعد اجتماعی آن به شمار می‌آید (آصفی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۰).

۶. نتیجه

جامعه از دو عنصر بنیادی تشکیل می‌شود: افراد انسانی، و روابط و مناسبات حاکم بر این اجتماع انسانی. در نظم اجتماعی، ساختار نظام و کارکردهای آن در جهت‌دهی افراد انسانی به سمت اهداف خاص نقش اساسی دارند. امعان نظر در ماهیت جامعه‌ای که خداوند در قرآن کریم در مقام ترسیم آن برآمده، مبین آن است که تکوین ساختاری مبتنی بر تعالیم الهی و فطرت انسانی از سویی، و تعریف کارکردهای قرآنی برای این ساختارها از سوی دیگر، انسان مسلمان را در طریقی به حرکت وامی‌دارد که ثمره و غایت آن، پیوند با خدا و بندگان خداست. آیت‌الله آصفی در مقام استخراج چنین نظامی از آیات قرآنی و ترسیم الگوی جامعه آرمانی قرآنی، شبکه‌ی ولاء را طرح کرده و آن را با ساختاری انسانی - الهی و کارکردهای قرآنی آراسته است. بر اساس رویکرد سیستمی، شبکه ولاء مجموعه‌ای به هم‌پیوسته از عناصر ساختاری است که وجوه سه‌گانه ارتباطی انسان را با نفس و پیرامون خود ترسیم می‌کند و آیت‌الله آصفی از این عناصر ساختاری به «خطوط» تعبیر کرده است.

این ساختار سه‌وجهی عبارت است از: (۱) خطوط طولی که ناظر بر رابطه فرد مسلمان با مجموعه‌ای از رهبران و حاکمیت است که به حاکمیت الهی می‌انجامد و نیز رابطه انسان با خودش و رابطه با زیردستان. (۲) خطوط عرضی که بیانگر ارتباط مؤمنان با همدیگر در سه سطح رابطه با «امت»، «معارف» (آشنایان) و خانواده است. (۳) خطوط عمقی که ناظر بر ارتباط فرد مسلمان با عمق تاریخ و تمدن است.

آیت‌الله آصفی برای تعریف نوع روابط تعیین‌شده میان ساختارها (خطوط) در درون شبکه ولاء از دو مفهوم قرآنی بهره گرفته است: «سلام» و «نصیحت» که پیونددهنده میان ساختارها و زیرساختارها برای دستیابی به غایت قرب و ولای الهی هستند (آصفی، ۱۳۹۳، ص ۴۵۴). البته سلام و نصیحت دو کارکرد متفاوت در این سیستم دارند: «سلام» کارکردی سلبی دارد و پالایش‌دهنده و تطهیرکننده ساختار و خطوط ارتباطی انسانی از زشتی، دشمنی، مکر و خباثت است و «نصیحت» کارویژه‌ای ایجابی دارد که موجب خیرخواهی و خیرکاری و اصلاح ذات‌البین به دور از غش و فساد است (لک‌زایی، ۱۳۹۳،

ص ۳۷۱).

این ساختار سه‌وجهی طولی، عرضی و عمقی که اشاره شد، به نحوی در هر جامعه انسانی مشاهده می‌شود، ولی آنچه شبکه ولاء را به‌عنوان جامعه آرمانی قرآنی از دیگر سیستم‌ها متمایز می‌کند و مرزبندی ویژه‌ای در آن شاهدیم، نوع روابط تعریف شده قرآنی است که آیت‌الله آصفی آن را در قالب دو مفهوم بنیادی «سلام» و «نصیحت» تبیین کرده است. براین اساس، سلام و نصیحت در لایه لایه این ساختار، از رابطه انسان با خدا و رسول و اولی‌الامر تا جماعت مسلمین و تا خانواده و خویشان و حتی در رابطه انسان با نفس خود، نقش‌آفرینی می‌کند و نوع این روابط را تعریف و به‌دور از خبث و خیانت و فسق و فجور و کفر و نفاق، در مسیر کمال پیوند با خدا و ولای الهی جهت‌دهی می‌نماید. رهاورد زندگی در چنین سیستمی برای انسان مسلمان، حیات آراسته به آرامش، گشایش، خیرخواهی و محبت است و همه اینها از حاکمیت سلام و نصیحت بر ارتباطات انسانی در این جامعه آرمانی سرچشمه می‌گیرد.

نکته شایان ذکر در ساختار شبکه ولاء، ابتدای آن بر مرزبندی عقیدتی است؛ به‌طوری‌که در آن مرزهای جغرافیایی اصالت ندارند. از این‌روست که کنشگر این سیستم، انسان مسلمان است و غایت تعریف‌شده، پیوند و ولاء انسان مسلمان با خدا و بندگان مسلمان خداست. در مقابل، روی دیگر ولاء، برائت است که در رابطه انسان مسلمان با کافران معنا می‌یابد. البته برائت لزوماً به‌معنای جنگ نیست و می‌تواند جنبه فرهنگی و اساساً بُعد تقیه پیدا کند.



۷. منابع

- قرآن کریم.
- آصفی، محمدمهدی (۱۳۶۶)، حق الامان فی المجالات المختلفة، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۹۳ الف)، در آئینه وحی، جلد ۲: آرامش و گشایش، ترجمه علیرضا سروش و دیگران، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- _____ (۱۴۱۷ اق)، السلام فی الاسلام، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- _____ (۱۴۳۱ اق)، سلطات الفقیه و صلاحياته فی عصر الغيبة، نجف: مجمع اهل البيت.
- _____ (بی تا)، فی رحاب القرآن الکریم، طهران: المشرق للثقافة و النشر.
- _____ (۱۳۸۵)، مبانی نظری حکومت اسلامی، ترجمه محمد سپهری، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- _____ (۱۳۹۳ ب)، مبانی نظری حکومت اسلامی، ترجمه محمد سپهری، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- _____ (۱۴۳۱ اق)، المدخل الی الامامة، نجف: مجمع اهل البيت.
- _____ (۱۴۳۳ اق)، المشروع السياسی لأهل البيت عليه السلام بعد واقعة الطف، نجف: مجمع اهل البيت.
- _____ (۱۴۲۷ اق)، ولايه الامر، نجف: مجمع اهل البيت.
- آمدی، عبدالواحد (بی تا)، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح مهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- البلعید، الصادق (۱۹۹۹ م)، القرآن و التشريع، تونس: مرکز النشر الجامعی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ اق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت.
- دوران، دانیل (۱۳۷۰)، نظریه سیستمها، ترجمه محمد یمنی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ اق)، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، قم: دارالهجره.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ اق)، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، نجف: کتابخانه حیدریه.



- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۹۷۳م)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- لکزایی، نجف و دیگران (۱۳۹۳)، اندیشه سیاسی آیت الله آصفی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام (۱۳۶۴ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- المنذری، عبدالعظیم عبدالقوی (۱۳۸۸ق)، الترغیب و الترهیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت.
- _____ (۱۳۶۸)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ دوم.
- واعظی، احمد (۱۳۷۷)، جامعه مدنی جامعه دینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ورام، مسعود بن عیسی (بی تا)، تنبیه الخواطر و نزہة الناظر، قم: مکتبة الفقیه.

